

بررسی جریان‌های فرهنگی - دینی متقابل

علی محمد بهشتی^۱

دکتری تفسیر و علوم قرآن. جامعه المصطفی العالمیه / مشهد مقدس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰

چکیده

در عصر حاضر، جهان اسلام بویژه جغرافیای قاره آسیا فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متعدد و متفاوتی را بخود دیده است. فرهنگ‌هایی که ممثل آیه رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه (فرهنگ مؤمنانه) است و فرهنگ‌هایی که تداعی گر آیه اخلفوا الله ما وعدوه وبما كانوا یکنذبون (فرهنگ منافقانه) است.

هر چند که تحقیق و پژوهش در مورد گروه دوم که ماهیتی دوگانه دارد کاری دشوار به نظر می‌رسد؛ اما آنچه این دشواری را در این عصر سهولت می‌بخشد وجود معیار و شاخصی مانند انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی^(ره) است.

بر اساس یافته‌های پیش‌رو انقلاب اسلامی این ظرفیت را دارد که میزان و معیار تمایز جریان‌ها و فرهنگ‌ها به دور از تعصبات مذهبی و روابط فرقه‌ای قرار گیرد.

در این نوشتار با واکاوی شماری از فرهنگ‌های ناشی از قرآنت‌های متفاوت دینی، الگوی صحیح و ماهیت حقیقی جریان‌های فرهنگی جهان اسلام در عصر حاضر، ارائه خواهد شد. جریان‌هایی که ریشه در فهم درست از کتاب و سنت پیامبر ﷺ دارد.

واژگان کلیدی

جریان فرهنگی، انقلاب اسلامی، محور مقاومت، ملی‌گرایی، سلفیه و افراطی‌گری

مقدمه

تقابل خیر و شر و تضاد میان آن دو واقعیتی است که دامنه آن در ابعاد همه تاریخ است و همواره انسانها با آن دست و پنجه نرم کرده‌اند. از جدال سلاطین با انبیای الهی گرفته تا تقابل میان تمدنها، احزاب و جریان‌های فکری فرهنگی.

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(ره) در بهمن ۱۳۵۷ نقطه عطفی شد برای آزادی خواهان و اعتدال‌گرایان. و توانست برای بازشناسی تقابل حق و باطل تعبیر نوی به سبب واژگانی ادبیات جریان شناسی سرازیر سازد؛ تقابل میان فرهنگ انقلاب و فرهنگ غرب.

از همین روی سده اخیر را می‌توان روزگار رودررویی فرهنگ دینی غرب‌گرا و فرهنگ دینی ناب‌نامید. دو رویکردی که پدیدارکننده جریان‌ها و حرکتهای ریز و درشت جهان اسلام بشمار می‌رود.

دشمنان اسلام که تا پیش از این عداوت با دین را از رهگذر لشکرکشی‌های نظامی مانند جنگ‌های صلیبی و یا شیوه‌های فراماسونری پی می‌گرفتند از این پس با کوتاه کردن راه، سنگر خود را در اعماق سرزمین‌های مسلمین و در آغوش باز نخله‌های اسلامی بنا نمودند. دشمنان اسلام بجای رودررویی مستقیم با مسلمین که پیش از این حاصل چندانی برای آنها نداشت به شیوه‌های نیابتی و استیجاری روی آوردند.

غرب که در این روزگار خود را میراث‌دار عناد با اسلام می‌دانست، بنای خصومت و تقابل با اسلام را در انهدام فرهنگ و بی‌اعتبار ساختن ارزش‌های دینی پایه‌گذاری کرد. در گذشته در کنار مخاصمات میدانی، دین‌ستیزی دشمنان بیشتر جنبه نظری داشت؛ یعنی با تشکیک و شبهه افکنی‌های مرسوم سعی می‌کردند فرهنگ اسلام را فرهنگی منحط، دنیا‌گریز و فاقد برنامه‌ای جامع و پویا برای اداره ملتها معرفی نمایند. اما امروزه با ترفند نوینی پا به رکاب شده‌اند. ترفندی که باروری بذر آن در کاخ سفید و الیزه و برداشت میوه تلخ آن در مساجد و مدارس مسلمین است.

قتل، غارت و تجاوز که نکوهیده ترین رفتار در فرهنگ اسلامی است امروزه در سایه اغواگری غرب از سوی کسانی، اموری مقدس و منطبق با قرآن تلقی می‌شود! و طبعاً هر ناظر بی طرفی هم با تأثیر پذیری از عملکرد مسلمین آن را بخشی از فرهنگ اسلام خواهد پنداشت.

چنین است که در روزگار پیش رو تعریف جریان فرهنگی را فراتر از تعاریف معمول لغتنامه‌ها و دایره‌المعارف‌ها باید دانست. تعریفی که قادر است علاوه بر جریان‌های مولد فکر و فرضیه‌های نظری، شماری دیگر از جریان‌ها و نهادهای تأثیر گذار را نیز شامل شود. جریان‌ها و تشکلهایی که ظاهری رزمی دارند اما در عمل ممثل یک فرهنگ و جریان فکری اند.

بنا بر این آنچه در این عصر در رابطه با جریان شناسی فرهنگی اهمیت دارد رفتارهایی است که در ترسیم اندیشه و باور جوامع نقش دارد نه تعاریف مصطلح.



بخش ۱ / کلیات

الف) مسأله تحقیق

اکنون در فضای به وجود آمده از اشارات و تنبیهات مقدمه، جای این پرسش است که در حال حاضر در تقابل میان اسلام و غرب کدام جریان‌های فرهنگی نقش و حضور بیشتری دارند؟

دوم آنکه در عصر حاضر معیار و قاعده راستی‌آزمایی فرهنگی‌های مدعی دینداری چیست؟

سوم آنکه خاستگاه جریان‌های فرهنگی تأثیر گذار در جهان اسلام و مشخصاً منطقه آسیا چیست؟

ب) ضرورت تحقیق

شناخت جریان‌های فرهنگی دینی و بررسی زمینه‌ها و آثار تقابل آنها صرفاً یک پژوهش اکادمیک برای ارائه در همایشها و قرار گرفتن در قفسه کتابخانه‌ها نیست؛ بلکه ارائه تصویری معنادار از دردها و امیدها در فضای موجود جهان اسلام است. تصویری در ابعاد همه جریان‌های فرهنگی دینی موجود که رسام آن در یک سو کالج‌های تروریست پرور غرب با آدمک‌های نقاشی شده است و در سوی دیگر دست اراده حق و کاج‌های سر به فلک کشیده ایمان و تقوا با سر بندهای صبر و مقاومت.

ج) پیشینه تحقیق

تحقیق و ارزیابی جریان‌های فرهنگی مسلمین که با عناوینی مانند ملل و نحل شناسی و فرقه شناسی مضبوط است، پیشینه‌ای به قدمت تاریخ اسلام دارد؛ زیرا از همان زمان پیدایش اسلام خصوصاً بعد از رحلت نبی اکرم و عوامل مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی برای تبارز تفاوت‌ها و قرائت‌ها سر بر آورد. هر چند که به لحاظ تاریخی ریشه این موضوع را بیشتر در سده‌های دوم و سوم و عصر ابن تیمیه و دوران سلطه آل سعود بر حرمین باید جستجو کرد.

در این رابطه در حوزه نگارش تلاش‌های فراوانی برای تبیین اندیشه‌های متقابل بعمل

آمده است از جمله:



۱— تألیف کتاب الفرق الغالیه فی الحضاره الاسلامیه توسط عبدالله سامرایی در قرن

سوم

۲— تألیف کتاب التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و البدع از سوی ابوالحسن شافعی در

اواخر قرن سوم

۳— تألیف کتاب المنیه والامل فی شرح کتاب الملل والنحل به وسیله احمد بن یحیی

در قرن نهم

(د) روش تحقیق:

روش تحقیق در این نوشتار، کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است و با توجه به موضوع

تحقیق و در راستای اهداف تعریف شده از روش اسنادی و توصیفی تحلیلی استفاده شده

است. در روش اسنادی، مدل فیش برداری و گردآوری اطلاعات طی این مراحل صورت

گرفته است: ۱- شناسایی و استخراج منابع ۲- طبقه بندی منابع و پژوهش ها ۳- تجزیه و

تحلیل داده ها و نتیجه گیری



بخش ۲ / مفهوم شناسی

الف) تعریف جریان: جریان عبارت است از یک مجموعه معین بر اساس:

- اجتماعی بودن و برخوردار از رفتار اجتماعی

- دارا بودن تشکل و جمعیت

- برخورداری از اندیشه مشخص و رفتار مرتبط با آن (خسرو پناه، ۱۳۸۸: ۹)

با این بیان، جریان شناسی عبارت است از شناخت منظومه و گفتمان، شکل گیری و معرفی چهره‌های تأثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.

ب) تعریف فرهنگ: فرهنگ، کلیت در هم تافته شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم، توانایی‌ها و عاداتی است که انسان‌ها در جامعه به دست می‌آورند (آشوری، ۱۳۵۷: ۸).

ج) تعریف جریان دینی: جریان دینی عبارتست از هر حرکت و اقدامی که در قلمرو دین صورت می‌گیرد. و به تعبیر دیگر به هر کارکرد و رویکردی گفته می‌شود که منتسب به دین باشد.

د) تعریف جریان‌های متقابل: به گفتمان‌هایی اطلاق می‌شود که در حرکت و موجودیت خود یکدیگر را نفی کنند و اجتماع آنها در ظرف واحد محال باشد. با این بیان و بر اساس تعاریف فوق می‌توان نتیجه گرفت که:

جریان‌های فرهنگی دینی متقابل به مجموعه‌ای نامتوازن اطلاق می‌گردد که ثمره قرائت متفاوت از دین است. قرائت‌هایی که در یک سمت آن فهم و تفسیر حقیقی از منابع دینی قرار دارد و در طرف دیگر تلقیات ناشی از ذوق و علائق فردی، فرقه‌ای و منطقه‌ای.

بخش ۳ / جریان شناسی فرهنگی

بی تردید شمارش و بررسی مجموعه کامل جریان‌های فرهنگی جهان اسلام اعم از جریان‌های راستین و جریان‌های انحرافی کاری مفید و درخور توجه خواهد بود؛ اما با توجه به بضاعت نویسنده و صفحات نه چندان زیاد پژوهش حاضر از باب جرعه نوشی به قدر تشنگی، به مواردی از فرهنگ و خرده فرهنگ‌های موجود جهان اسلام طی چهار فصل

اشاره خواهد شد.

فصل ۱. فرهنگ انقلاب اسلامی

در صد ساله اخیر جریان‌های فرهنگی فراوانی پایه عرصه وجود گذاشتند که مهمترین آن، جریان فرهنگی برخاسته از افکار و اندیشه‌های امام خمینی^{ره} است. جریانی که خط مشی اصلی آن احیاء دین و روشن‌گری در مورد انحرافات فکری و تهدیدهای استکباری و صهیونیسم جهانی بوده است.



نهضتی که از یک سو زمینه ساز تحقق فرهنگ راستین اسلام و باورهای ناب گردید و از سوی دیگر به مبارزه با جریان‌های دینی منحرف برخاست. و با بارور ساختن بذر بیداری در دل توده‌های تحت ستم، خیزش‌های عمومی را به ارمغان آورد. خیزش‌هایی که جهان اسلام را درنوردید و شعاع آن با عبور از خاور دور و نزدیک به اروپا و امریکا نیز رسید.

در مجموع جنبش‌ها و قیام‌های جهان اسلام و تشکیل محور مقاومت را می‌توان متأثر از نهضتی دانست که در خرداد سال ۴۲ پایه‌گذاری شد. چنانچه بسیاری از جریان‌های انحرافی نیز بدلیل کینه‌توزی با انقلاب اسلامی و مقابله با اسلام ناب پا به رکاب شدند.

- مبانی جریان فرهنگی انقلاب اسلامی

(۱) توحید محوری

در نظام الهی، رسیدن به غایت آفرینش و تکامل و تعالی روحی منحصر از رهگذر دین تحقق می‌یابد. از همین روی دکترین انقلاب اسلامی فرایند تمدن‌سازی و رشد فرهنگی را محصول تعالیم دین و دستورات الهی می‌داند و برای دین در عالم هستی قائل به نقش محوری است. نقشی که بر اساس کتاب و سنت شکل می‌گیرد.

حضور پررنگ خدا در همه ابعاد هستی آنچنان در اندیشه امام^(ره) تبلور دارد که هر معضل و نقیصه‌ای را محصول بی‌توجهی به توحید و فقدان ایمان می‌داند. امام^(ره) در نامه معروف به گورباچف آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بر این اصل تأکید می‌کند که مشکل عمده دنیای شرق و غرب فقدان ایمان به خداست:

"مشکل اصلی شما عدم اعتقاد به خداست؛ همان مشکلی که غرب را هم به ابتدال و بن‌بست کشیده" (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۸).

(۲) انسان در فرهنگ انقلاب اسلامی

در نگاه توحیدی امام خمینی انسان موجودی چند بعدی است که در حرکت به سوی کمال آزاد و صاحب اختیار خلق شده است. امام^(ره) انسان را جدای از عالم هستی نمی‌داند و آنرا عصاره خلقت و موضوع علم انبیا معرفی می‌نمود. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۲۴).

(۳) جامعه در فرهنگ انقلاب اسلامی

در فرهنگ انقلاب اسلامی، سعادت و سلامت جامعه و دسترسی به نظام سیاسی و اجتماعی مطلوب تنها در پرتو هدایت و رهبری انبیای الهی میسر است. در اندیشه امام^(ره) خداوند با مشخص کردن اهداف و مقاصد جامعه به ارسال رسل پرداخته است:

"سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد؛ تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و اینها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاح شان هست صلاح ملت است صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی‌توانند اداره کنند. این مختص به انبیا و اولیاست و به تبع آنها به علما..." (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۸۴).

(۴) استکبار ستیزی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با کنار زدن نقاب از چهره مستکبرین و زوایای پنهان آن اندیشه اسلام را به جهان ارائه نمود:



"مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین... مستکبر یک معنای اعمی دارد. هر فرد می شود که مستکبر باشد... اگر شما کسانی که زیر دست تان هست ضعیف شمردید شما هم مستکبر می شوید" (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۱۵).

۵) جهانی سازی انقلاب اسلامی

محدود نشدن انقلاب در مرزهای جغرافیایی و جهانی سازی فرهنگ آن هدفی است که با پابندی به دو اصل صدور انقلاب و حمایت از مستضعفین همواره دنبال شده است.

- اصل دعوت و صدور انقلاب

این اصل را از لوازم و تبعات ماهیت دینی انقلاب می دانند:

"ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم" (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۲۶).

- اصل حمایت از مستضعفین

حمایت از مستضعفین و ملل تحت ستم از دیگر اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی است. مؤسس فرهنگ انقلاب با ترسیم سیاست انقلاب در حمایت از مستضعفین می فرماید: "ما طرفدار مظلوم هستیم؛ هر کسی در هر قطبی که مظلوم باشد ما طرفدار آنها هستیم. و فلسطینی ها مظلوم هستند و اسرائیلی ها به آنها ظلم کرده اند." (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۴: ۳).

فصل ۲. فرهنگ مقاومت

اصطلاح محور مقاومت به نهضت ها و جنبش هایی اطلاق می گردد که برای اعتلای کلمه توحید و حاکمیت فرهنگ اسلام ناب بر پایه کتاب الهی و سنت نبوی عمل می کنند. و اساس قیام آنها بر سه اصل اسلام خواهی، اصلاح طلبی و ظلم ستیزی بنا نهاده شده است. خاستگاه محور مقاومت را باید نیمه نخست قرن چهارده شمسی و برگرفته از اندیشه های الهی امام خمینی^(ره) دانست. حرکتی که خورشید آن از حوزه علمیه قم سر بر آورد و در کمتر از نیم قرن شعاع آن با گذر از آسیا و افریقا فلات دور دست امریکا و اروپا را نیز درنوردید.

از آنجا که آشنایی با همه جریان‌های مقاومت و فهرست شماری آنها بدلیل کثرت و پراکندگی در نقاط عالم، مستلزم املاء اثری قطور می‌باشد در نوشتار پیش رو تنها به بیان مواردی اکتفا خواهد شد.

یک. حزب الله لبنان

شیعیان در لبنان با دارا بودن بزرگترین جمعیت همواره از کم‌ترین حق برخوردار بوده‌اند. در یک سرشماری ساختگی که در سال ۱۹۴۳ با دخالت دولت فرانسه انجام گرفت جمعیت اکثر، مسیحیان مارونی شناخته شدند. مسلمانان سنی مذهب در مرحله دوم و



شیعیان در مرحله سوم قرار گرفتند. و قرار شد رئیس جمهور از مسیحیان مارونی، نخست وزیر از اهل سنت و رئیس مجلس از شیعیان انتخاب گردد. علیرغم آن که شیعیان به عنوان یک مذهب و طایفه مهم به رسمیت شناخته شدند و سمت ریاست مجلس و برخی امتیازات سیاسی اجتماعی برای آنها در نظر گرفته شد در عین حال کماکان از محرومیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری رنج می‌بردند (روحانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

- تأسیس حزب الله

فضای آکنده از محرومیت مردم لبنان، گروهی از روحانیون بازگشته از نجف اشرف را بر آن داشت تا در سال ۱۳۳۹ش حرکتی فرهنگی مذهبی را برای رفع محرومیت پایه گذارند. جلسات درس، سخنرانی و فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی روحانیون به تدریج توجه مردم را به خود جلب نمود و رویکرد تازه‌ای از نقش اسلام در جامعه را پدید آورد (نعیم قاسم، ۱۳۸۳: ۸).

رویکردی که خاستگاه آن حوزه‌های علمیه‌ی قم و نجف و کرسی درس امام خمینی^{ره} و سید باقر صدر^(ره) بود و با تلاش شخصیت ممتازی مانند امام موسی صدر در لبنان جوانه زد.

استراتژی امام موسی صدر پس از ورود به لبنان بازگرداندن و تقویت هویت اسلامی شیعیان لبنان و تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی و مادی آنان بود. امام در بدو ورود، تعدادی سازمان خیریه و امدادی و همچنین مدرسه در جنوب لبنان تأسیس کرد و در گام بعدی در سال ۱۹۶۹م موفق به تصویب مجلس اعلای شیعیان در پارلمان لبنان شد (غفوری سبزواری، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

از دیگر اقدامات امام موسی صدر تأسیس گردانهای مقاومت لبنان یا *امسسل* (افواج المقاومة اللبنانية) به عنوان بازوی نظامی شیعیان با هدف ایستادگی و مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل بود.

امام موسی صدر که با شعار اسرائیل شر مطلّتی پا به میدان گذاشته بود همواره دیگران را به مبارزه با اسرائیل و آزاد سازی فلسطین از دست اشغالگران فرا می‌خواند. هر چند که



تلاش‌ها و فعالیت‌های وی در زمان حیاتش به سرانجام نرسید؛ زیرا در سفری که در ۱۹۷۸م به دعوت مجهر قذافی رهبر لیبی به طرابلس داشت در آن کشور ربوده شد و سرنوشتش تا کنون ناشناخته مانده است.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، جنبش حزب الله گسترش بیشتری یافت و از سال ۱۳۶۱ش به یکی از بازیگران عمده‌ی صحنه سیاسی در لبنان تبدیل شد.

سعودی‌ها که در این زمان با استفاده از غیبت امام موسی صدر سعی کردند به بازیگران بحران داخلی لبنان پیوندند با برگزاری اجلاس طائف در سال ۱۳۶۹ش در نقش میانجی‌گر نفوذ خود را در جنبش اهل تحمیل نمودند. و باعث شد که جنبش رفته رفته با جریان حاکم مرتبط شود. قرار گرفتن اعضای اهل در مناصب کشوری زمینه بروز اختلافات داخلی و انشعاب در بدنه تشکیلات را فراهم ساخت. در این زمان جمعی از نیروهای شیعی و اکثراً روحانیون تحصیل کرده قم و نجف با تأثیر پذیری از اندیشه‌های امام خمینی^(ره) و با متهم کردن اهل به محافظه کاری، اقدام به تأسیس حزب الله نمودند.

صَّهْبِحِي طَهْلِي نَحْسْتِيْن رَهْبِر حَزْبِ اَللّهِ بَعْدَهَا بِنَفْعِ رَهْبِرِي سَيِّدِ عَبَّاسِ مَوْسَوِي وَ مَعَاوَنَتِ سَيِّدِ حَسَنِ نَصْرِ اَللّهِ كِنَارِ رَفْتِ. در دوران



سید عباس موسوی، حزب الله به واقع بینی در رویارویی با واقعیت‌های سیاسی صحنه‌ی لبنان تغییر جهت داد و بسیاری از مواضع خود را تعدیل کرد. در بهمن ماه ۱۳۷۰ش در حمله‌ی هلیکوپترهای اسرائیلی سید عباس موسوی به شهادت رسید و سید حسن نصرالله به عنوان رهبر حزب، خط مشی سید عباس را با جدیت دنبال کرد که با تشکیل شورای جهادی پایبندی به مبارزه علیه اشغالگری اسرائیل را به اثبات رساند (غفوری سبزواری، ۱۳۸۸: ۲۵).

- عوامل تأسیس

از آنچه گفته شد می‌توان موجودیت حزب الله را متأثر از سه عامل اصلی دانست:

(۱) محرومیت‌های فرهنگی و اجتماعی:

محرومیت‌های گسترده لبنان که بار آن بیش از همه بر دوش شیعیان سنگینی می‌کرد زمینه تأسیس حزب الله را فراهم ساخت. محرومیتی که به سبب فرقه‌گرایی ناشی از حاکمیت مارونی‌ها به وجود آمده بود.

(۲) تهاجم اسرائیل:

در پی یورش اسرائیل به لبنان دسته‌های مقاومت اسلامی شیعی سامان یافت، که بعدها با اتحاد این دسته‌ها حزب الله شکل گرفت. جریانی که توانست در قالب جبهه مقاومت، اسرائیل را از بخش‌هایی از جنوب لبنان عقب براند (سعد غریب، ۱۳۸۴: ۲۵).

(۳) انقلاب اسلامی ایران:

شیخ نعیم قاسم معاون دبیر کل حزب الله در مورد نقش ایران در تأسیس حزب الله معتقد است:

"زمانی که رژیم صهیونیستی به لبنان یورش برد و قسمت‌هایی از کشور را به اشغال خود درآورد، امام خمینی^(ره) گروه‌هایی از سپاه پاسداران را برای آموزش لبنانی‌ها به منطقه زبدانی فرستادند. اینگونه شد که حزبی با نام حزب الله شکل گرفت و اکنون بر پایه آرمان‌های آن امام در ابعاد مختلف دفاعی، فرهنگی و اجتماعی در حال فعالیت است (نعیم قاسم، ۱۳۸۳: ۱۷).

- دستاوردهای فرهنگی اجتماعی حزب الله

بررسی ماهیت و عملکرد حزب الله نشان می‌دهد که این جریان بیش از آن که یک حرکت جهادی باشد یک جریان فرهنگی و رهبری کننده است. هر چند که در بدو تأسیس، مسأله دفاع از شیعیان محروم لبنان در برابر اشغالگران را سر لوحه کار خود قرار داده بود؛ اما عملکرد آن در این چند دهه نشان داد که اقدامات فرهنگی حزب الله در لبنان بویژه در دوران سازندگی آثار و ثمرات چشمگیری داشته است. حضور پررنگ در ابعاد و عرصه‌های فرهنگی و سیاسی این باور را قوت می‌بخشد که جریان حزب الله در حقیقت یک جریان فرهنگی و مکتبی است با برخورداری از ابزار رزمی و مدیریتی.

الف) اقدامات دیپلماسی

حزب الله برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ در انتخابات لبنان شرکت نمود و دوازده کرسی را تصاحب کرد. در انتخابات سال ۲۰۰۵ توانست چهارده کرسی و در جنوب لبنان در ائتلاف با جنبش أمل تمام بیست و سه کرسی پارلمانی را کسب نماید.



حزب الله برای اولین بار فردی را در دولت لبنان به عنوان وزیر آب و انرژی به کابینه فرستاد (نعیم قاسم، ۱۳۸۳: ۱۱۹).

ب) اقدامات رسانه‌ای

از دیگر اقدامات فرهنگی حزب الله تأسیس مراکز رسانه‌ای و آموزشی است:

۱- تأسیس رسانه‌های صوتی و تصویری مانند شبکه تلویزیونی المنار و رادیو النور

۲- تأسیس رسانه‌های مکتوب مانند هفته نامه العهد

۳- پایه گذاری پایگاه‌های اینترنتی قاوم، جنوب لبنان و واحد ارتباطات رسانه‌ای

حزب الله

۴- فعالیت‌های آموزشی و ارائه خدمات کمک آموزشی به دانش‌آموزان

۵- تبدیل پایگاه‌های نظامی به مراکز آموزشی و موزه فرهنگی و تأسیس مراکز دینی

ج) امور اجتماعی و خدماتی

۱- تأسیس جهاد سازندگی برای بازسازی خرابی‌های ناشی از تجاوزات اسرائیل و

بلایای طبیعی

۲- جمع آوری زباله‌های شهری حومه جنوب بیروت

۳- تأمین آب آشامیدنی حاشیه جنوبی بیروت

۴- فعالیت‌های کشاورزی

۵- توجه به امور بهداشتی و درمانی با احداث جمعیت اسلامی بهداشت و مراکز

درمانی و بیمارستانی

۶- تأسیس بنیاد شهید جهت خدمت رسانی به خانواده شهدا

۷- تأسیس کمیته امداد خیریه اسلامی برای حمایت از محرومان (نعیم قاسم، ۱۳۸۳:

۱۱۸)

دو. انصار الله یمن

یمن با ۲۶ میلیون جمعیت، کشوری عربی در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه

جزیره‌ی عربستان است که ۹۹/۱٪ جمعیت آن مسلمانند؛ یعنی حدود ۶۵٪ سنی و ۳۵٪ شیعه

زیدی و ۰/۹٪ آن سایر ادیان و مذاهب می‌باشند (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۰۷).

یمن به دلیل دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی و بنادر و جزایر مهم در طول تاریخ مطمح نظر استعمارگران بوده است. این کشور به لحاظ استراتژیکی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ در بخش شمال غربی و شمال شرقی باب‌المنهدب قرار گرفته است. تنگه‌یی که بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیکترین آبراه شرق و غرب می‌باشد (موسوی، ۱۳۹۴: ۲۰۹).



- ماهیت انصارالله

جنبش انصارالله در واقع نوعی بازاندیشی هویت زیدیه است که از سوی علامه بدرالدین الحوثی صورت گرفت. وی پدر حسین الحوثی - رهبر سابق انصارالله - و همچنین پدر عبدالملک الحوثی - رهبر جوان و فعلی انصارالله - می‌باشد. علامه در راستای بازاندیشی مذهب زیدی بالغ بر ۳۰ جلد کتاب نوشت. تفسیر ۱۳ جلدی قرآن نیز از آثار علامه بدرالدین است. سرانجام در سال ۱۳۷۳ش و در پی حملات خونین نیروهای دولتی علامه بدرالدین به شهادت رسید و مسئولیت جنبش را فرزندش حسین بدرالدین عهده دار شد (میراحمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

- اهداف انصارالله

در روند بازاندیشی و احیای هویت زیدیه توسط حوثیها سه هدف مهم دنبال شد:

۱- ارائه‌ی قرائتی جامع از مذهب زیدیه و قرابت و تعامل بیشتر آن با شیعه اثناعشری

۲- ترسیم مرز جدایی با وهابیت و احیای هویت زیدی با تکیه بر دغدغه‌های ملی گرایانه

۳- توجه به ارزشهای سیاسی اجتماعی اسلام نظیر امر به معروف و نهی از منکر (میراحمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۴)

سه. جنبش حماس

حماس که مخفف واژه حرکه المقامه الاسلامیه به معنای جنبش مقاومت اسلامی است همزمان با قیام عمومی مسلمانان فلسطین (انتفاضه) در چهاردهم دسامبر ۱۹۸۷ در سرزمین اشغالی اعلام موجودیت نمود (شیرودی، ۱۳۸۸: ۲۵۲).

شکل‌گیری این جنبش به دست شیخ احمد یاسین از میان نیروهای اخوان المسلمین فلسطین با انتشار منشور حماس در ۲۶ ماده در اوت ۱۹۸۸ صورت گرفت. این منشور در بردارنده فلسفه‌ی جنبش، اصول اعتقادی آن و مواضع سازمان و نیز مسائلی از قبیل رفاه اجتماعی، نقش زنان و نیز تعامل با سایر حرکت‌های اسلامی، حرکت‌های ملی گرا، ساف، و کشورهای عربی و... می‌باشد (قانون، ۱۳۷۲: ۲۸).

حماس تنها راه حل مشکل فلسطین را ریشه کن ساختن اسرائیل و تأسیس دولت اسلامی می‌داند. و در همه سال‌های مبارزه هیچگاه صلح با اسرائیل را نپذیرفت و آزادی فلسطین به عنوان یک سرزمین موقوفه‌ی اسلامی را از طریق جهاد برای هر مسلمان یک واجب عینی می‌داند (کاظمی، ۱۳۸۱: ۶۹).

حماس را می‌توان حاصل ظهور جنبش جهاد اسلامی، تأسیس حزب الله لبنان، تشدید سیاست سرکوب گرانه‌ی اسرائیل و نیز ظهور موج بیداری اسلامی متأثر از وقوع انقلاب اسلامی ایران دانست.

ظهور حماس در شرایطی تحقق یافت که از یک سو مسأله فلسطین از اولویت نخست کشورهای عربی خارج شده بود و از سوی دیگر انقلاب فلسطین با چرخش از رویارویی با صهیونیسم به همزیستی با آن روی آورده بود (صفا تاج، ۱۳۸۸: ۸).



فصل ۳. فرهنگ اصلاح طلبی

بازگشت به اسلام راستین با رویکرد اصلاح طلبی زمینه ساز فرهنگی نوظهور شد که در قرن نوزده سر برآورد و طی دو قرن اخیر نضج گرفت. از بدو ظهور جریان اصلاح طلبی تا کنون گروه‌های فکری متعددی با اهداف و انگیزه‌های دینی و غیر دینی حول محور این جریان حلقه زدند و خود را عهده دار اصلاحات در دین خوانده‌اند.

الف. روشنفکری دینی

روشنفکری دینی جریانی است برخاسته از افکار و اندیشه‌های اسلام شناسانی مانند سید جمال الدین که پیراستن دین از زواید، خرافات و بدعت‌ها را سرلوحه نهضت خود قرار داده بود. پرچم این جریان که در صدساله اخیر توسط محمد عبده، آخوند خراسانی هروی و... دست به دست گردیده در دوره معاصر در اختیار روشنفکرانی مانند شریعتی و شهید مطهری قرار گرفت. سخنرانی‌های شریعتی و فریادهای شهید مطهری در مورد تحریفات عاشورا، بازشناسی واقعه تاریخی کربلا و کنار زدن نقاب تزویر از چهره شمر و یزیدهای حال حاضر از اقدامات اصلاحی این جریان محسوب می‌شود (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۳۶).

ب. سکولاریسم دینی

تأثیر پذیری از فرهنگ غرب، دستاوردی بود که مسلمانان فرنگ رفته با خود به ارمغان آورده‌بودند. مسافرانی که برای تحصیل به خارج از جهان اسلام مهاجرت کرده و دنیای غرب را پیشرفته‌تر از جهان اسلام می‌دیدند. محصلان مسلمان با دیدن پیشرفت و شکوفایی غرب به این باور رسیدند که غرب به دلیل دوری از مذهب و گرایش به سکولاریسم به این رشد و شکوفایی رسیده است. بنا بر این مسلمانان نیز باید از این گذار تاریخی درس بگیرند و برای پیشرفت و توسعه همان راهی را طی کنند که غرب رفته است؛ یعنی همانند دنیای غرب دین و مذهب را باید از صحنه اجتماعی و مدیریتی خارج و در اماکن خاصی محبوس ساخت!

قطب در مورد ماهیت روشنفکری غربی می‌گوید:



"اینان کسانی هستند که زهر غرب در کالبدشان تزریق شده است و مسموم شده‌اند. و میزان مسمومیت آنان هم بستگی به میزان زهری دارد که به کامشان فرو رفته باشد" (قطب، ۱۳۷۴: ۲۲).

تقلید و تبعیت همه جانبه از نهادها، ارزشها، گرایشها و الگوهای غربی و فرهنگ و تمدن غرب، خودباختگی و بی هویتی و جهت گیری‌های مبتنی بر سکولاریسم، ماتریالیسم، لیبرالیسم و ناسیونالیسم از مشخصه‌های اصلی این جریان است (شرایی، ۱۳۶۸: ۱۵).

از میان سلسله جنابان فرهنگ سکولار در کشورهای اسلامی می‌توان از طنطاوی، قاسم امین، مصطفی کامل، احمد لطفی السید و محمد حسین هیکل در میان اعراب، سید احمد خان در شبه قاره و میرزا ملکم خان و تقی زاده در ایران و طرزی و غبار در افغانستان نام برد که با اندکی اختلاف در اهداف و آراء، اقداماتی را در سکولاره نمودن جامعه دینی به عمل آوردند (شرایی، ۱۳۶۸: ۳۴).

- تقابل سکولاریسم با دین گرایی:

دور کردن اسلام و دین از صحنه سیاست و اداره جامعه، نخستین اقدام جریان سکولاریسم در تقابل با جریان دین گرا محسوب



می‌شود. گام بعدی محصور ساختن دین در مساجد و مراکز خاص دینی است. سکولاریسم که مدعی دینداری است و در عین حال دین را مانع ترکتازی خود می‌داند؛ با این ترفند که می‌خواهد دامن دین را از آلودگی زد و بندهای حکومتی دور نگهدارد؛ سعی می‌کند دین را عملاً از صحنه سیاسی و اجتماعی خارج سازد.

در همین راستا سکولاریسم دینی با سر دادن شعار جدایی دین از سیاست و تلاش برای ایجاد فاصله میان این دو، همواره آب به آسیاب دشمن ریخته و فضای خالی از دین و معنویت را برای حضور بیگانگان فراهم ساخته است.

از موارد دین ستیزی فرهنگ سکولار این است که در قالب ناصحی دلسوز، صلاح دین را در محصور ساختن آن در مساجد و مراکز دینی دانسته و حضور آن در عرصه زندگی فردی و اجتماعی را از مردم می‌گیرد. در برخی از جوامع، دین اغلب در عباداتی مانند نماز و روزه خلاصه شده و عرصه اقتصاد، معاملات و دیگر امور از دسترس آن خارج است (شرایی، ۱۳۶۸: ۳۶).

ج. ناسیونالیسم دینی

ملی‌گرایی دینی که رگه‌هایی از آن در همه جوامع اسلامی از جمله جامعه ایران، افغان، ترک و عرب به چشم می‌خورد، پدیده‌ای وارداتی است که با اولویت بخشیدن به منافع ملی و نژادی، عملاً در راستای تضعیف و کنار زدن ارزشهای دینی و در نهایت تحقیر و انحطاط امت اسلامی گام بر می‌دارد. این پدیده که سنخیت با شعوبی‌گری صدر اسلام نیز دارد همواره در تقابل با جریان‌های اصلاح طلبی مصلحانی چون سید جمال الدین، اقبال لاهوری و امام خمینی^{۱۰} بوده است (حاتمی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

۱) ناسیونالیسم ایران

نقش تاریخی ایرانیان در شکوفایی الهیات، فقه و فلسفه شیعه، باعث شد که عده‌ای دچار این توهم شوند که نوعی پیوند متقابل و ذاتی میان تشیع و ناسیونالیسم ایرانی وجود دارد (عنایت، ۱۳۷۲: ۲۱۳).



توهمی که اسلام را وام‌دار ناسیونالیسم ایران می‌دانست که با روی کار آمدن نظام شاهنشاهی قوت گرفت و تبدیل به یک جریان فرهنگی شد. رسمیت یافتن تاریخ ۲۵۰۰ ساله و حذف تاریخ هجری از اقدامات این فرهنگ نو ظهور بشمار می‌رود. مضافاً آنکه ملی‌گرایی سعی کرد با دست کم گرفتن ارزش‌ها و مظاهر اسلامی به تجلیل از تمدن ایرانی پیش از اسلام روی آورد. روشن‌فکر مآبانی مانند میرزا ملکم خان و میرزا آقا خان کرمانی از تئوریسین‌های اصلی فرهنگ ملی‌گرایی در ایران محسوب می‌شوند (حاتمی، ۱۳۷۲: ۲۰۶).

۲) ناسیونالیسم افغان

مردم افغانستان کنونی و خراسان سابق که خسته از ستم شاهان روزگار بودند با آغوش باز به استقبال اسلام رفتند و با بهره‌مندی از تعالیم سازنده آن جامعه یکپارچه اسلامی را به وجود آوردند. خدمات علمی اندیشمندان افغان به اسلام از جمله فخر رازی، اباصلت هروی، ابن سینای بلخی، مولوی جلال‌الدین بلخی و دیگران کسانی مانند طرزی و امان‌الله خان را بر آن داشت که ملیت را هم عرض اسلامیت دانسته و ناسیونالیسم دینی را به بهانه خدمات متقابل رواج دهند. (غبار، ۱۳۶۴: ۲۴۰).



۳) ناسیونالیسم ترک

در دوران خلافت عثمانی، سلاطین عثمانی به ریشه نژادی و قومی خود به عنوان ترک، حساسیت چندانی نداشتند و همواره خود را به اسلام و میراث تمدن اسلامی پیوند می‌دادند. به عنوان مسلمان از قوم‌گرایی و شعوبی‌گری دوری می‌جستند؛ تا آنجا که نام امپراطوری خود را نه ترکی بلکه عثمانی نامیدند (احمد یاقی، ۱۳۸۶: ۱۴۱).

در زمان اصلاحات محمدعلی و محمود دوم در قرن نوزدهم بخشی از فرهنگ اروپایی همچون نظام حکومتی و روش خاص زندگی اروپایی که فرهنگ ملی‌گرایی را به همراه داشت وارد عثمانی شد.

آتاترک بعد از آنکه در سال ۱۹۲۳ به قدرت رسید به زدودن دین و فرهنگ دینی از جامعه ترک و حذف زبان عربی روی آورد (مولفی، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

آتاترک مذهب را مانند لحاف ضخیمی می‌دانست که مردم ترکیه را به خواب وا داشته و مانع بیداری و پیشرفت شان شده است (باریز نوئل، ۱۳۸۳: ۲۶۲).

۴) ناسیونالیسم عرب

فروپاشی امپراطوری عثمانی در قرن نوزده علاوه بر مشکلات عدیده‌ای که به وجود آورد تزلزل در حاکمیت اسلامی را هم به همراه داشت. زیرا قدرت اسلامی که به دلیل اتصاف به مبدأ وحی قدرتی مغلوب نشدنی تصور می‌شد متحمل شکست شد.

احساسات حقارت آمیز ناشی از این تزلزل، سبب تشکیل کنگره اعراب (۱۹۱۳) در پاریس گردید. مجمعی که به ظاهر حامی اتحاد مسلمین بود اما در عمل بر طبل وابستگی اعراب و محکوم بودن آنها به قیمومیت ترکان عثمانی می‌کوبید (حاتمی، ۱۳۹۲: ۲۰۸).

با سقوط عثمانی رشیدرضاها برای بهره برداری از فرصت پیش آمده از ترک‌ها خواست تا خلافت را به اعراب بازگردانند؛ اما وقتی عثمانی‌ها از این خواسته سر باز زدند و خواسته رشیدرضا را نپذیرفتند او به تأسیس جریان ناسیونالیسم عربی و تلاش برای ترویج فرهنگ عربیت با شعارهایی مانند پیامبر عربی، قرآن عربی و ... روی آورد (خدوری، ۱۳۷۴: ۱۹۶).

فصل ۴ فرهنگ سلفی‌گری

مفهوم سلف در اصطلاح اهل سنت و شیعه متفاوت است. اهل سنت سلفیه را گروهی از مسلمانان شامل صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌دانند. اهل سنت بر خلاف شیعه که سلف را با قید صالح (سلف صالح) اعتبار می‌بخشد همه این سه نسل را به دلیل نزدیکی زمانی و مکانی به وحی، بهترین می‌پندارند. استدلال اهل سنت بر این ادعا حدیث معروف خیریه است:

"خیر الناس قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم ثم یجیء اقوام تسبق شهادة احدهم یمینه و یمینه شهادته.... بهترین مردم، مردمان قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند. پس از ایشان مردمانی که گواهی هر یک سوگند شان و سوگند هر کدام گواهی شان را نقش می‌کند" (بخاری، ۲۳۲:۳۱۸).



نقل‌ها، بدعت‌ها و ساخته‌های افکار صحابه و تابعین با گذشت زمان تبدیل به یک جریان فرهنگی دینی شد که توانست سیطره خود را در بخش‌هایی از جهان اسلام توسعه بخشد. امروزه رد پای تفکر سلفیه را با قالب‌ها و ساختارهای گوناگون در امت اسلامی می‌توان مشاهده کرد.

- عقل و تفکر از نظر سلفیه

سلفیه حدود درک و فهم افراد مسلمان در مسائل علمی یا عملی را محدود به چیزهایی می‌داند که مردم زمان پیغمبر^ﷺ در مکه و مدینه فهمیده و یا عمل کرده بودند. سلفیه اهل تفکر را بدعت‌گذار خوانده و متفکران و صاحب‌نظران را تکفیر می‌کند.

حافظ وهبه در مورد ضدیت وهابیت با علوم عقلی می‌گوید:

" وهابیان تصویر را حرام می‌دانند؛ فراگرفتن فلسفه و منطق را جایز نمی‌دانند. در میان علمای نجد کسانی که با این علوم آشنایی داشته باشند به ندرت یافت می‌شوند. " (حافظ، ۱۹۵۶: ۱۵۰).

شهید مطهری وهابیت را تراوش یافته افکار و عقاید عبدالوهاب و رشیدرضا دانسته می‌گوید:

" رشید رضا بیش از هر کس دیگر سنگ اصلاح به سینه می‌زد و خود را ادامه دهنده راه سیدجمال و عبده می‌دانست، ولی او بیش از آنکه تحت تأثیر افکار سیدجمال و عبده باشد، تحت تأثیر اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب بود. و لذا بیش از آنکه مبلغ اصلاح باشد، مبلغ وهابی‌گری بود. اظهار نظرهای مغرضانه رشیدرضا خصوصاً در مورد شیعه، نشان می‌دهد که شایستگی اصلاح طلبی نداشته است " (عسکری، ۱۳۷۸: ۲۳۶).

- شاخه‌های سلفیه:

سلفی‌ها در عین دارا بودن ویژگی‌های مشترک، خصوصاً در باورهای بنیادی، الزاماً یک جامعه یک پارچه با باورها و رفتارهای تماماً مشترک نیستند. آنها علیرغم وحدت نظر در اصولی مانند مفهوم توحید حجیت سنت و مقابله با عقل به لحاظ فکر و اندیشه دارای دسته‌ها و شاخه‌های مختلفی‌اند.

الف) وهابیان

در نیمه دوم قرن هجده محمد بن عبد الوهاب در هیأت یک مصلح دینی و با شعار مبارزه با خرافات، جریان فکری فرهنگی الموحدون را پایه گذاری نمود (هوشنگی، ۱۳۹۰:۳۲۲). جریانی که امروزه با انتساب به خود وی وهابیت و به پیروان آن وهابی گفته می شود.

وهابیت به بهانه اصلاح دین از زواید و خرافات، اصولی را وارد دین نمود که با عقاید هیچ یک از مذاهب اسلامی هم خوانی نداشت؛ انکار شفاعت انبیا و اولیاء و استغاثه و توسل به آنان از موارد بدعت گذاری وهابیت است. دکتر محمد سعید رمضان البوطی سلفیه را پدیده‌ای ناخواسته و نسبتاً نوخاسته می داند که با نگاه انحصار طلبانه مدعی مسلمان بودن است و همه را جز خود کافر می شمارد؛ سلفیه می گوید هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف بازگشت (قاضی، ۱۴۲۱:۲:۹۱).



ب) ناب گرایان

ناب گرایان عمدتاً دسته‌ای از سلفیه متقدم هستند که خالص سازی اسلام به مثابه آنچه که باید از قرآن و سنت منتج گردد را وجهه همت خود ساخته‌اند. آنها معتقدند که به عنوان اولین گام باید کاری کرد تا اسلام از تمام زوائدی که به آن اضافه شده پیراسته گردد. کسانی چون ماوردی و ابن تیمیّه در این دسته از سلفی‌ها جا دارند.

ناب گرایان، اصولی هم چون تزکیه و دعوت به معروف را دو اصل اساسی دانسته و عنصر جهاد را دارای اهمیت اصلی و اولی نمی‌دانند و استدلال می‌کنند که پیامبر نیز نیمی از دوران رسالت خود را به دعوت اختصاص داد و به هیچ وجه کار خود را با جهاد شروع نکرد (سید قطب، ۱۳۷۴: ۵۵).

با همین تفکر محمد نصیرالدین البانی فتوا به خروج فلسطینیان از فلسطین داد و گفت: "از آنجا که اسرائیل قلمرو فلسطینی‌ها را اشغال کرده است آن جا دیگر دارالاسلام نیست و فلسطینی‌ها باید از سرزمین خود مهاجرت کنند به کشورهای مسلمان" (هوشنگی، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

پاره‌ای از گروه‌های متعلق به این شاخه از سلفیه عبارتند از: جماعت التبلیغ شبه قاره هند و جمعیت العلماء المسلمین الجزایر (هوشنگی، ۱۳۹۰: ۱۲۶).

ج) سیاست گرایان

تحولات جاری در نظام‌های سیاسی کشورهای اسلامی و رأساً انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز مطرح شدن خط فکری تازه‌ای بنام سلفیه سیاسی گردید. سلفی‌های سیاسی بر خلاف ناب‌گراها خود را ملزم به حضور در عرصه سیاست و مدیریت دانسته معتقد به اظهار نظر در برابر رویدادهایی مانند تجاوزات اسرائیل و خود کامگی امریکا می‌باشند. حسن البناء، حسن هضیبی، شیخ قرضاوی، طارق البشیری دیگر رجال اخوانی از سران این جریان محسوب می‌شوند (حاتمی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

د) افراط گرایان



افراط‌گرایی یا ترویج فرهنگ تعصب و خشونت، جریانی سلطه طلب و ستیزه جو است که محور اندیشه آن تکفیر دیگران است. تاریخ تأسیس این تفکر به زمان اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی بر می‌گردد.

با اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ در سال 1976 و قیام مردم در برابر آن، دنیای اسلام سکوت را مصلحت ندانست و در برابر این قضیه از خود عکس العمل نشان داد. مسلمانان از هر سو و از جمله تشکل‌های سلفی برای دفاع از اسلام راهی جبهات افغانستان شدند. حضور جریان‌های سلفی در میادین جنگ رسماً یک جریان فکری متکی به فرهنگ جهادی را پایه گذاری کرد که بعدها این جریان نو پای جهادی تبدیل به تشکلی تندرو و افراطی گردید (حاتمی، ۱۳۹۲: ۲۱۲).

فرهنگ افراط‌گرایی که بنیان آن بر پایه گفتمان سلبی استوار است برای تشکیل دولت و حکومت اسلامی، استفاده از هر نوع خشونت را مشروع می‌داند. و هر فرد و فرقه‌ای خارج از حلقه تشکیلات را کافر و مهدور الدم تلقی می‌کند (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۱۳).



مهم‌ترین جریان‌های افراطی که غالباً در سی ساله اخیر به جود آمده و همچنان به حضور و فعالیت خود ادامه می‌دهند عبارتند از:

۱— سازمان القاعده؛ جریانی که توسط اسامه بن لادن تشکیل شد و در سال ۲۰۱۰ رهبری آن (اسامه بن لادن) توسط کماندوهای امریکایی به قتل رسید. ۲— جماعت اسلامی مسلح در الجزایر (GIA) ۳— حزب تحریر اسلامی در اردن و آسیای میانه به رهبری عبدالقدیم ظلوم (۱۹۵۲) ۴— سپاه صحابه که در سال ۱۹۸۵ به رهبری مولانا حق نواز جهنگوی در پاکستان تشکیل شد. ۵— لشکر طیبه به رهبری حافظ محمد سعید در کشمیر ۶— حرکت مجاهدین کشمیر ۷— جیش محمد که در سال ۲۰۰۰ توسط مولانا مسعود اظهر در کراچی پاکستان تشکیل شد. ۸— تحریک طالبان پاکستان که توسط بیت الله محسود در مناطق قبایلی پاکستان به وجود آمد و موسس آن (بیت الله محسود) در سال ۲۰۰۹ توسط هواپیمای بدون خلبان امریکا به قتل رسید. ۹— تحریک اسلامی طالبان افغانستان به رهبری ملا عمر ۱۰— جهاد اسلامی مصر به رهبری ایمن الظواهری (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۴۱).

نتایج و یافته‌ها

انتساب به اسلام و ادعای دینداری هیچ کدام معیار دقیقی برای قضاوت در مورد جریان شناسی فرهنگ‌ها نیست. جریان‌های فرهنگی فراوانی وجود دارد که با علم دین چهره دین را می‌خراشند و صدمات فراوانی بر پیکر آن وارد ساخته اند. هم جریان‌های افراطی اسلام‌گرا و هم فرهنگ‌های اصلاح طلبی غرب‌گرا.

بر همین اساس آثار و پیامدهای ناشی از آمیختگی شعائر دینی فرهنگ‌های منحط با فرهنگ‌های ناب، مستلزم امعان نظر بیشتری برای بازشناسی فرهنگ‌های اصیل اسلامی است.

از جمله نتایج و یافته‌های متن پیش رو به نکاتی می‌توان اشاره کرد که عبارتند از:

- ۱- انتساب به دین و فرهنگ اسلام، الزاماً نشان دهنده تعهد داشتن به دین نیست.
- ۲— در اردوی اسلام جریان‌های فرهنگی بسیاری وجود دارد که نان از سفره دین

می‌خورند و کمر به خدمت شیطان بسته اند.

- ۳— چنانچه ادعای اسلامیت دلیل بر حقانیت یک جریان نیست، اتصال و ارتباط به مذهب و نحله‌ای خاص نیز حاکی از درستی یا نادرستی آن نخواهد بود.
- ۴— بررسی نهضت‌ها و فرهنگ‌های دینی معاصر، نشان دهنده این حقیقت است که جامع‌ترین فرهنگی که محمل حد اکثری تعالیم اسلام است و ظرفیت شاخص بودن را دارد، فرهنگ انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی^(ره) است.



منابع و مآخذ:

۱. قرآن
۲. اسپوزیتو، جان ل، (۱۳۸۸) دایره المعارف جهان نوین اسلام، ترجمه و تحقیق حسن طارمی، تهران، نشر جامع
۳. اسلامیان، سجاد، (۱۳۸۸) «مصاحبه»، نشریه فرهنگی، تحلیلی راه، شماره ۴۵، ص ۳۳
۴. امام خمینی، روح الله، (۱۳۷۲) صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۵. آشوری، داریوش، (۱۳۵۷) تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران، مرکز اسناد فرهنگی آسیا
۶. باقی، اسماعیل (۱۳۸۶) دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، چاپ ۴، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۷. بخاری، محمد، (۲۳۲ق) صحیح بخاری، بی جا
۸. حاتمی، محمد رضا (۱۳۹۲) دایره المعارف جنبش‌های اسلامی، چاپ ۱، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
۹. حافظ، وهبه، (۱۹۵۶) جزیره العرب فی القرن العشرون، بیروت، دانشکده الهیات
۱۰. خدوری، مجید (۱۳۷۴) گرایش‌های سیاسی در جهان عرب، تهران، نشر وزارت خارجه
۱۱. خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۸۸) جریان‌شناسی فکری ایران معاصر، قم، مؤسسه فرهنگی حکمت نوین اسلامی



۱۲. رمضان البوطی، سعید (۱۳۸۳) سلفیه؛ بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، مشهد:

آستان قدس رضوی

۱۳. روحانی، حسن (۱۳۸۸) آشنایی با کشورهای اسلامی، تهران، نشر مشعر

۱۴. سعد، غریب (۱۳۸۴) دین و سیاست در حزب الله، تهران، اندیشه سازان نور

۱۵. سید قطب (۱۳۷۱) فاجعه تمدن و رسالت اسلام، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران،

مشعل دانشجو

۱۶. شرابی، هشام (۱۳۶۸) روشنفکران عرب و غرب، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، دفتر

مطالعات سیاسی و بین المللی

۱۷. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۱) فلسطین و صهیونیسم، تهران، مشعر

۱۸. صفا تاج، مجید (۱۳۸) فلسطین از اشغال تا انتفاضه، تهران، انتشارات مدرسه رهبان

۱۹. عسگری، علامه سید مرتضی (۱۳۷۸) یکصد و پنجاه صحابه‌ی ساختگی، قم، دلیل ما

۲۰. عنایت، حمید (۱۳۷۲) اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، چاپ ۳، ترجمه، بهاء الدین

خرمشاهی، تهران: خوارزمی



۲۱. غبار، غلام محمد (۱۳۶۴) افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ ۱، تهران، صدرا
۲۲. غفوری سبزواری، صادق (۱۳۹۰) حزب الله لبنان، تهران، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۲۳. قاسم، نعیم (۱۳۹۳) حزب الله خط مشی گذشته و آینده آن، تهران، نشر اطلاعات
۲۴. قاضی، عیاض (۱۴۲۱)، شرح الشفاء، قم، نشر دار الکتب العلمیه
۲۵. قانون، مرتضی، (۱۳۷۲)، «حماس پیشینه تاریخی و سیاسی» فصلنامه دانش سیاسی، پیش شماره ۲، ص ۶۴
۲۶. قطب، محمد (۱۳۷۴) بیداری اسلام، ترجمه: صباح زنگنه، تهران، انتشارات اطلاعات
۲۷. کاظمی، حسین (۱۳۸۱) حمایت از انتفاضه فلسطین چرا؟ قم، انتشارات پیام دبیر
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا
۲۹. موثقی، سید احمد (۱۳۸۷) استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۳۰. موسوی، سید محمد و باقری فر، محسن (۱۳۹۴) «نظریه سازه انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصار الله و انقلاب یمن» مجله پژوهشهای انقلاب اسلامی پاییز، ص ۲۰۷
۳۱. میراحمدی و احمدوند (۱۳۹۳) «هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله» مجله اندیشه سیاسی در اسلام، زمستان و بهار
۳۲. نامدار، مظفر (۱۳۷۶) رهیافتی بر مبنای مکتبها و جنبشهای سیاسی شیعه، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی
۳۳. نوئل، باریر، (۱۳۸۳) فرمانروایان شاخ زرین از سلیمان قانونی تا آتاتورک، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، قطره



۳۴. هوشنگی، حسین (۱۳۹۰) بنیادگرایی سلفی، بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی،

تهران، دانشگاه امام صادق

1.



